

خبر

گروه ۷ به دنبال جبهه متحد علیه تهاجم روسیه

● هم‌زمان با اینکه بریتانیا میزبان نشست وزیران خارجه گروه هفت در شهر لیورپول در شمال انگلیس است، ثروتمندترین دموکراسی‌های جهان به دنبال ارائه یک «جبهه متحد» علیه «تهاجم» روسیه به اوکراین خواهند بود.به گزارش ایسننا، به نقل از خبرنگاری رویترز، در میان نگرانی‌های بین‌المللی تحت عنوان اینکه روسیه می‌تواند به اوکراین حمله کند، گرچه روسیه چنین چیزی را رد می‌کند، نشست «گروه هفت» (G۷) با حضور آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا و هم‌تاانش از فرانسه، ایتالیا، آلمان، بریتانیا، ژاپن و کانادا برگزار می‌شود.لینز تراس، وزیر خارجه این کشور، قبل از مذاکرات به خبرنگاران گفت: کاری که ما باید انجام دهم، این است که اقدامات روسیه را متوقف کنیم. نشست گروه هفت درباره «اتحادی» بین اقتصادهای اصلی و همفکر جهان است. ما قطعاً نسبت به موضوع خود در قبال تهاجم روسیه با احترام به اوکراین قاطع خواهیم بود.هم‌زمان با اینکه اوکراین، روسیه را به علت گردآوری هزاران سرباز روسی در مرز به ایجاد «احتمال درگیری نظامی» متهم کرده، این کشور (اوکراین) مرکز بحران در روابط شرق-غرب شده است.روسیه، اوکراین و آمریکا را به «رفتار بی‌ثبات‌کننده» متهم می‌کند و گفته است برای حفاظت از خود به تضمین‌های امنیتی نیاز دارد. بریتانیا به‌عنوان رئیس فعلی نشست گروه هفت از اعضا خواسته تا در قبال دفاع از آنچه «دنیای آزاد» نامیده می‌شود، مصمم باشند.

آمریکا باز هم فرانسه را دور زد

● وزارت خارجه آمریکا فروش احتمالی ناوچه‌های نیروی دریایی این کشور به دولت آتن را که توافق ماه سپتامبر میان فرانسه و یونان را به چالش می‌کشد، تأیید کرده است. به گزارش ایسا، به نقل از شبکه خبری فرانس ۲۴، آژانس همکاری امنیت دفاعی آمریکا در بیانیه‌ای فروش ۶.۹میلیارددلاری چهار فروند ناوچه ضربتی ساخت کمپانی لاکهیدمارتین آمریکا به یونان را تأیید کرد و این درست ۱۰ هفته پس از آن صورت می‌گیرد که آتن یک تفاهم‌نامه با پاریس منعقد کرد تا در معامله‌ای مشابه از فرانسه ناو خریداری کند.این آژانس همچنین برنامه ۲.۵ میلیارد دلاری لاکهیدمارتین برای تقویت و ارتقای ناوچه کلاس «MEKO» یونان شامل افزودن و ارتقای سیستم‌های تسلیحاتی و الکترونیکی را تأیید کرده است.این توافق تسلیحاتی نشان می‌دهد که فرانسه با یک تهدید جدید تجارت تسلیحاتی پس از توافق آگوس میان آمریکا، استرالیا و انگلیس روبه‌رو شده است.

تغییر قدرت در برلین و روی کار آمدن اولاف شولتس

که پایان‌بخش ۱۶ سال صدراعظمی آنگلا مرکل بود، امیدهایی را در سراسر اروپا و آن سوی اقیانوس اطلس برانگیخت که شاید دولت صدراعظم جدید آلمان تغییری در موضع منفعلانه برلین درمورد همه چیز از خطوط لوله گرفته تا چالش لهستان ایجاد کند و رویکرد «چرا ما نمی‌توانیم همواره دوست باشیم» را که از سوی مرکل جدی گرفته نمی‌شد، اجرا کند. اما واقعیت این است که نه‌تنها این رویکرد تغییر چندانی نخواهد کرد؛ بلکه حتی ممکن است با شدت بیشتری دنبال شود. با وجود تنش‌های جدی که در کشورهای جنوب اتحادیه اروپا وجود دارد و همچنین معاملات تجاری و چالش‌های فناوری این اتحادیه با ایالات متحده، انتظار می‌رود آلمان به‌عنوان قدرتمندترین و پرجمعیت‌ترین کشور اتحادیه اروپا بر موضع سال‌های گذشته خود بماند و رفتار روزهای گذشته شولتس نیز نشان داده که صدراعظم جدید آلمان هم برای حفظ منافع اقتصادی مهم‌ترین کشور اتحادیه اروپا حاضر به ایجاد تنش با دیگر شرکای خود نیست. شولتس ائتلافی را تشکیل داده که با توجه به دشواری دستیابی به نقاط مشترک بین سه حزب سوسیال‌دموکرات، سبزها و دموکرات‌های آزاد باید به توجه به متن ۱۸۰صفحه‌ای ائتلاف، آن را منسجم، اساسی و جاه‌طلبانه دانست. با این حال، دولت اولاف شولتس از همان اول با چالش‌های بزرگی مواجه است و مانند گذشته بسیاری از این چالش‌ها در شرق قرار دارند. اولین مورد در داخل مرزهای آلمان و در آلمان شرقی سابق است. در انتخابات سراسری ماه سپتامبر، تقریباً یک‌چهارم آرا در ایالت‌های «زاکسن» و «تورینگن» در شرق آلمان به حزب راست افراطی و بیگانه‌هراس آلترناتیو برای آلمان (AfD) رسید. در روزهای گذشته هم اعتراض‌هایی در زاکسن علیه واکنسیانوس اجباری برگزار شد که فعالان راست افراطی آن را سازمان‌دهی کرده بودند. روان‌شناسی اجتماعی آن دو ایالت آلمان شرقی نشان می‌دهد که ساکنان آنها بیش از آنکه مثلاً با هامبورگ یا اشتوتگارت اشتراکات داشته باشند، به دیگر کشورهای اروپای مرکزی پساکمونیستی ازجمله لهستان و مجارستان، خود را نزدیک می‌دانند. دومین چالش شرقی و نسبتاً جدید آلمان درمورد فرایشن دموکراسی و حاکمیت قانون در لهستان و مجارستان است. حضور اقتصادی آلمان در این کشورها بسیار پررنگ است و براساس این برلین در دوران آنگلا مرکل تا حد زیادی مسئول ایجاد یک موضع بسیار نرم اتحادیه اروپا در قبال حاکمان پوپولیست این کشورها بود. توافق‌نامه ائتلاف سه‌حزبی به صدراعظمی شولتس بر لزوم وحدت بیشتر اروپا و احترام به حاکمیت قانون تأکید می‌کند و حل مسئله مهم این است که آیا دولت جدید آلمان این برنامه را دنبال خواهد کرد و در نقش مدافع قاطع وحدت اروپا، برای احیای دموکراسی در مجارستان و حاکمیت قانون در لهستان وارد عمل خواهد شد؟

تعداد میان روسیه و شرق اروپا
چالش‌های سیوم و چهارم دره‌متدهه هستند و به سرزمین‌های بین اتحادیه اروپا و روسیه-اوکراین و بلاروس و همچنین خود روسیه مربوط می‌شوند. حفظ



آزمون جدی وزودهنگام سیاست خارجی صدراعظم جدید آلمان

چالش‌های شرقی شولتس

اولین سفر خارجی با مذاکراتی نه‌چندان آسان

صدراعظم جدید آلمان در اولین سفر خارجی خود به پاریس و بروکسل رفته است. در هر دو جا با وجود اشتراکات، اختلاف‌نظرها هم با میزبانان کم نیست؛ از مسئله مربوط به انرژی اتمی و رویکردهای حقوق بشری تا رعایت توافقات ناتو. اولاف شولتس در کاخ الیزه از سوی امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه، مورد استقبال قرار گرفت. در کنفرانس مطبوعاتی مشترکی که پس از این دیدار برگزار شد، مکرون بر عزم کشورش برای نداوم همکاری با آلمان تأکید کرد و خواهان ادامه مناسبات حسنه‌ای شد که به گفته او در زمان آنگلا مرکل، سلف شولتس میان دو کشور جریان داشته است. در همین حال رئیس جمهوری فرانسه در کنفرانس خبری مشترک با اولاف شولتس گفت: این خیلی سودمند است که جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا، با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، گفت‌وگو کردند. خواسته رایج ما این است که به چنین گفت‌وگوهایی میان بایدن و پوتین درخصوص وضعیت اوکراین ادامه دهیم. سخنان مکرون توسط شولتس هم تکرار شد. او گفت: ما همگی نسبت به وضعیت مرز در اوکراین نگران هستیم. طبیعی است که از دیدن آن حجم از سرباز نگران باشیم و همه جا دربار این مسئله گفت‌وگو شود. بیگیری و گفت‌وگوی رئیس‌جمهور آمریکا با رئیس‌جمهور روسیه درخصوص این مسئله، اتفاق خوبی است. در همین حال، مکرون و شولتس آمادگی خود را برای کمک به میانجیگری در درگیری روسیه و اوکراین به‌عنوان بخشی از فرمت موسوم به «نرماندی» که رهبران اوکراین، روسیه، آلمان و فرانسه را برای کمک به پایان‌دادن به درگیری در شرق اوکراین بین «نیروهای کی‌یف» و «جدايي‌طلبان طرفدار روسیه» کرد هم آورده است. ابزار کردند. شولتس پیش از انتخابش در مجلس به صدراعظمی آلمان اعلام کرده بود که اولین مقصد سفرش پاریس و دیدار با مکرون است. در دهه‌های گذشته به طور سنتی اولین سفر خارجی صدراعظم‌های آلمان به فرانسه بوده است؛ تأکیدی بر اهمیت محور پاریس– برلین در گذشته اروپا و در سطح بین‌المللی. صدراعظم آلمان پس از دیدار با مکرون، مانند وزیر خارجه دولت خود در روز قبل عازم بروکسل شد تا با مقامات اتحادیه اروپا، ازجمله رئیس کمیسیون و رئیس شورای این اتحادیه و نیز با دبیرکل سازمان ناتو دیدار و گفت‌وگو کند. در اتحادیه اروپا همه کشورها با خشنودی به استقبال دولت جدید آلمان نرفته‌اند. ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان، در مقاله‌ای در نشریه بیلدتسایتونگ آلمان، دولت جدید را به انحراف از راه هلموت کهل و در مسیر تبدیل اروپا به یک نهاد مرکزگرا و ماهرچیزید و فمینیستی توصیف کرده است.

تعادل بین روابط با روسیه و رابطه با سایر کشورهای اروپای مرکزی و شرقی یکی از قدیمی‌ترین معماهای سیاست خارجی آلمان است. در ۳۰۰ سال گذشته هرگونه تحولی در این منطقه میان آلمان و روسیه رخ داده است؛ ازجمله تقسیم وحشیانه و کامل لهستان بین آلمان هیتلری و اتحاد جماهیر شوروی استالین در یک تعادل بین روابط با روسیه و رابطه با سایر کشورهای اروپای مرکزی و شرقی یکی از قدیمی‌ترین معماهای سیاست خارجی آلمان است. در ۳۰۰ سال گذشته هرگونه تحولی در این منطقه میان آلمان و روسیه رخ داده است؛ ازجمله تقسیم وحشیانه و کامل لهستان بین آلمان هیتلری و اتحاد جماهیر شوروی استالین در یک تعادل بین روابط با روسیه و رابطه با سایر کشورهای

روپای مرکزی و شرقی یکی از قدیمی‌ترین معماهای سیاست خارجی آلمان است. در ۳۰۰ سال گذشته هرگونه تحولی در این منطقه میان آلمان و روسیه رخ داده است؛ ازجمله تقسیم وحشیانه و کامل لهستان بین آلمان هیتلری و اتحاد جماهیر شوروی استالین در یک تعادل بین روابط با روسیه و رابطه با سایر کشورهای

روپای مرکزی و شرقی یکی از قدیمی‌ترین معماهای سیاست خارجی آلمان است. در ۳۰۰ سال گذشته هرگونه تحولی در این منطقه میان آلمان و روسیه رخ داده است؛ ازجمله تقسیم وحشیانه و کامل لهستان بین آلمان هیتلری و اتحاد جماهیر شوروی استالین در یک تعادل بین روابط با روسیه و رابطه با سایر کشورهای

روپای مرکزی و شرقی یکی از قدیمی‌ترین معماهای سیاست خارجی آلمان است. در ۳۰۰ سال گذشته هرگونه تحولی در این منطقه میان آلمان و روسیه رخ داده است؛ ازجمله تقسیم وحشیانه و کامل لهستان بین آلمان هیتلری و اتحاد جماهیر شوروی استالین در یک تعادل بین روابط با روسیه و رابطه با سایر کشورهای

کرده و اعلام می‌کند: «مداخله روسیه به نفع الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهوری بلاروس، اقدامی غیرقابل قبول است». آلمان متعهد به حمایت از احیای «تمامیت ارضی و حاکمیت کامل» اوکراین است و خواستار پایان هرگونه تلاش بیشتر برای بی‌ثبات‌کردن این کشور به‌ویژه در مرزهای شرقی آن است. با این حال، قبل از اینکه جوهر این توافق خشک شود، زمان راستی‌آزمایی آن فرارسیده است. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در حال جمع‌آوری نیروی نظامی گسترده‌ای در مرزهای شرقی اوکراین است و خواستار احترام به «خط قرمز» خود شده است که براساس آن اوکراین نباید به ناتو بپیوندد یا هرکدام از اعضای ناتو از این کشور حمایت نظامی و تسلیحاتی کنند. گزارش‌های اطلاعاتی ایالات متحده نشان می‌دهد که این بار تهاجم روسیه جدی‌تر از قبیل به نظر می‌رسد؛ اما نهادهای اطلاعاتی آلمان هنوز هم این هشدارها را جدی نمی‌گیرند. به‌تازگی رئیس‌جمهوری آمریکا تهدید کرده که حمله روسیه به اوکراین تبعات اقتصادی غیرقابل‌تصورى دارد و مشخصاً به خط لوله نورداستریم ۲ هم اشاره شده است. باید دید شولتس حاضر است از منافع اقتصادی چشم‌پوشی کند و حتی به طور خصوصی به پوتین هشدار دهد که در صورت عملی‌شدن تهدید حمله به اوکراین، این خط لوله برچیده خواهد شد یا خیر.

چالش چین

مسئله روسیه-اوکراین فوری‌ترین چالش شرقی آلمان به شمار می‌آید؛ اما پنجمین چالش، در درازمدت بزرگ‌ترین چالش آلمان است: چین. اگر تصور کنیم که مسئله چین، شرقی نیست و به‌خاور دور مربوط می‌شود، پس بهتر است به حضور پررنگ چین در لابه‌لای سطور توافق دولت ائتلافی نگاه بیندازیم. این ائتلاف فرمول رسمی اتحادیه اروپا در قبال حکومت چین را به رسمیت می‌شناسد و به نقض حقوق بشر در سین‌کیانگ، ناپودی «یک کشور به سیستم» در هنگ‌کنگ و لزوم هماهنگی فرآینتلانگتو، با سیاست‌های چین اشاره می‌کند. ائتلاف جدید آلمان تأکید دارد که هرگونه تغییر وضعیت موجود در تنگه تایوان تنها می‌تواند به صورت مسالمت‌آمیز و با توافق دو‌جانبه اتفاق بیفتد. به‌تعبیر دیگر هرگونه تحولی باید با موافقت چین انجام شود. در چنین شرایطی، چین تمام واردات خود از لیتوانی را متوقف کرده تا این کشور کوچک حوزه دریای بالتیک و صضو اتحادیه اروپا را به دلیل افتتاح دفتر نمایندگی در تایوان مجازات کند. پکن حتی شرکت‌های چندملیتی را تحت فشار قرار داده است تا تأمین‌کنندگان لیتوانیایی خود را کنار بگذارند. اتحادیه اروپا که بازار تجاری واحدی محسوب می‌شود، باید واکنشی متحد و یک‌صدا به پکن نشان دهد و براساس این کمیسیون اروپا قصد دارد مجموعه‌ای از اقدامات را برای مقابله با این‌گونه رفتارهای چین آماده کند؛ اما آیا آلمان که مهم‌ترین و قدرتمندترین عضو اتحادیه اروپا محسوب می‌شود، آماده است تا از پاسخ محکم اتحادیه اروپا به تلاش پکن برای تفرقه‌انداختن مانع از آسیب‌دیدن روابط اقتصادی گسترده خود با چین شود؟ برای مواجهه با این چالش‌های شرقی، دولت جدید آلمان با دو مانع بزرگ داخلی مواجه است: اول، کسب‌وکار و اقتصاد آلمان که در بیشتر موارد فقط می‌خواهد به رشد خود ادامه دهد و این رشد بدون همکاری با چین غیرممکن است و دوم، افکار عمومی آلمان که در اکثر موارد باور ندارد که جهان به‌ویژه در شرق تا چه اندازه خطرناک و تهدیدآمیز شده است.

خط توافق‌شده مخفیانه در پاییز ۱۹۳۹. این تحولات هنوز

حادثات شرق لوله گاز «نورداستریم ۲» که گاز روسیه را مستقیماً به آلمان وصل می‌کند، به‌عنوان نمونه‌ای دیگر از اولویت رابطه نزدیک با روسیه در سیاست خارجی آلمان می‌دانند. در چنین شرایطی، توافق‌نامه ائتلاف سه‌حزبی در آلمان امری درخورتوجه است. به‌این‌دلیل که این توافق، روابط با اوکراین و بلاروس را بلافاصله پس از روابط با ایالات متحده و بریتانیا و مهم‌تر از رابطه با روسیه قرار می‌دهد. ائتلاف جدید آلمان از درخواست ایزورسیون بلاروس برای برگزاری انتخابات جدید حمایت

ادامه از صفحه اول
یکی سؤال مرا پاسخ گوید!
او وزارت، نمایندگی مجلس و صدراعظمی را تجربه کرده است و براساس محاسبه قانونی از همه سمت‌های قبلی تا پایان عمرش در مجموع ماهانه حدود ۱۵ هزار یورو حقوق بازنشستگی دریافت خواهد کرد. علاوه‌براین تا آخر عمر حق استفاده از محافظ شخصی، خودروی کاری و دفتر اداری در ساختمان پوندس‌تاک (پارلمان آلمان در برلین) را دارد. البته مرکل برای این دفتر تقاضای رئیس دفتر، معاون، سخنگو، سه مسئول امور اداری و دو راننده هم کرده است. علاوه بر اینها او با لحاظ شرایطی اجازه فعالیت اقتصادی و اشتغال در شغل مورد نظرش را هم دارد. هرچند تمامی کسانی که در دولت آلمان مسئولیتی داشته‌اند تا همیشه باید حافظ اسرار دولتی باشند و اجازه استفاده از این اطلاعات به نفع خود و خانواده‌شان را ندارند. اما می‌توانند به فعالیت‌های اقتصادی مجاز بپردازند. همچنین به‌دلیل ارتباطات سیاسی گسترده‌ای که دارند، می‌توانند به‌عنوان مشاور فعالیت کنند. با این همه، هنوز مشخص نیست آنگلا مرکل برنامه‌ای برای این کار دارد یا ترجیح می‌دهد به فعالیت‌های داوطلبانه بپردازد. چیزی که مشخص است او می‌خواهد در برلین بماند و با همسرش یواخیم زاونر ۲۲ساله که او نیز متخصص شیمی کوانتوم است و هنوز بازنشسته نشده زندگی معمولی داشته باشد. همه اینها را گفتم که بگویم رهبر دنیای آزاد در آلمان پس از ۱۶ سال بر سر قدرت بودن با عزت و احترام و بدرقه‌ای باشکوه دوران بازنشستگی‌اش را آغاز کرده است. در آلمان چه قرار است دوران قدرت او را به چالش بکشند؟ این قرار است نقص‌ها و قصورهای ذاتی حاکمیت را به گردن او و دولتش بیندازند؛ نه قرار است تحقیرش کنند و فحشش بدهند؛ نه محدود و مسدودش کنند؛ نه مواخذہ و بازداشت و محاکمه‌اش کنند؛ نه در تنهایی و عزت‌مطروشد کنند و نه اینکه او پس از فراغت از مسئولیت دغدغه معیشت و تنگنای روزگار

مشق
شماره ۴۱۶۷ • نوزدهم
نگاه
سیاست ترکیه در قبال عراق از گذشته تا آینده
مهمت آنکلا . تحلیلگر امور عراق

● چند روز پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی عراق، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، ظاهراً با هدف متحدکردن آرای اهل سنت، با محمد الحلبوسی و خمیس الخنجر، دو سیاست‌مدار سنی عراقی که رقیب یکدیگر محسوب می‌شوند، دیدار کرد. این اقدام توجهات را به رویکرد جدید آنکارا در قبال جوامع سنی عراق جلب کرد؛ هرچند آنها با یکدیگر متحد نشدند؛ اما ترکیه از نتایج انتخابات رضایت دارد. ترکیه با توجه به پیوندهای تاریخی و ایدئولوژیک و همچنین مجاورت جغرافیایی، برای روابط خود با سنی‌های عراق اهمیت قائل است. با این حال، آنکارا در اولین سال‌های پس از حمله آمریکا و متحدانش به عراق نفوذ نسبتاً محدودی در این کشور داشت و در تلاش بود تا سنی‌ها را در دوره پس از سرتگونی صدام حسین، در فرایند سیاسی این کشور جای دهد. دراین‌میان، از زمانی که حزب عدالت و توسعه اردوغان به قدرت رسید، گرایش‌های قوی سنی این حزب، موجب نگرانی سیاستمداران شیعه عراق شده است؛ اما آنکارا حتی زمانی که سنی‌های عراق را به ورود به صحنه سیاسی کشور ترغیب می‌کرد، روابط خود را با سیاست‌مداران شیعه عراقی، مانند نوری المالکی، نخست‌وزیر سابق عراق، نیز توسعه داد. مالکی یک سال پس از روی کارآمدن به آنکارا سفر کرد. اردوغان، نخست‌وزیر وقت ترکیه، نیز متعاقباً برای اولین بار به بغداد رفت و پیشنهاد کمک به بازسازی این کشور جنگ‌زده را از طریق ده‌ها بادداشت تفاهم ارائه کرد. هرچند روابط ترکیه با مالکی شروع خوبی داشت؛ اما افزایش فشار بغداد بر سنی‌ها، ازجمله کاهش سرمایه‌گذاری در مناطق سنی‌نشین و ظاهراً بازداشت‌های خودسرانه، این روابط با شکست مواجه شد. ترکیه به‌تدریج از سیاستمداران سنی مخالف با مالکی حمایت کرد و درعین‌حال به اقلیم کردستان عراق که روابط پرتنش‌ی با دولت مرکزی در بغداد داشت، نزدیک‌تر شد. این تلفاتی از گرایش‌های ترکیه، با آنچه در پی انتخابات پارلمانی عراق ۲۰۱۰ رخ داد، تقویت شد. در آن زمان آنکارا از ائتلاف عراقیه‌ایاد عللای که سنی‌ها پشتیبان آن بودند، حمایت کرد. هرچند عراقیه موفق شد دو کرسی بیشتر از ائتلاف دولت قانونی مالکی که ۸۹ کرسی را از آن خود کرده بود، به دست آورد، نخست‌وزیر وقت با حمایت ضمنی ایران و آمریکا برای دور دوم در انتخاب شد. این امر منجر به تشدید تنش‌ها با ترکیه شد و سیاست سنی عراق را علناً فرقه‌ای کرد. پس از ظهور داعش در تابستان ۲۰۱۴ میلادی، ترکیه به نیروهای سنی عراقی که در عملیات آزادسازی موصل شرکت داشتند، آموزش نظامی داد. پس از آن، به نظر می‌رسد آنکارا متوجه شده است که سیاست سنی‌محورش باید تغییر کند. به طور خاص، همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان، ترکیه را بر آن داشت که سیاستی جدید، با محوریت بغداد اتخاذ کند. عناصر دیگری نیز در این تغییر رویکرد دخیل بوده‌اند. به‌عنوان مثال، آنکارا زمانی از نظر جغرافیایی و تاریخی در موصل تأثیرگذار بود. با این حال، پس از ظهور و شکست داعش، نفوذ ترکیه در این منطقه، به دلیل حضور گروه‌های مسلح و به موازات آن از دست‌رفتن رهبران سنی عراق که به طور سنتی از سوی ترک‌ها حمایت می‌شدند، کاهش یافت. این تحولات نشان داد که سیاست آنکارا در عراق نمی‌تواند متکی بر یک گروه باشد. در واقع، درحالی‌که ترکیه در طول این مدت ارتباط خود را با تمام بازیگران اصلی عراق حفظ کرده بود، سازمان‌های مردم‌نهاد ترکیه نه‌فقط با ترکمن‌ها یا سنی‌های عراق، بلکه با سایر جوامع این کشور نیز به‌عنوان بخشی از دیپلماسی مسیر، دو تعامل داشتند. نکته مهم این است که این رویکرد از تعهد آنکارا به تمامیت ارضی عراق حکایت دارد. ترکیه همچنین همکاری با سیاستمداران جدید سنی در عراق را در دستور کار قرار داد و بازیگران سنی که آنکارا طی دو دهه گذشته از آنها حمایت کرده بود، عمدتاً نابیند شده‌اند و رهبران جوان‌تر و عمل‌گرا مانند حلبوسی، رئیس فعلی پارلمان، جایگزین آنها شدند. در این شرایط، ترکیه از اینکه گروه‌های طرفدار ایران در انتخابات پارلمانی امسال عراق شکست خورده‌اند، خرسند است. در این انتخابات، جنبش صدر، حزب دموکرات کردستان و جبهه تقدم حلبوسی، یا موفق به کسب تعداد بیشتری کرسی شدند یا دست‌کم کرسی‌های پیشین خود را حفظ کردند. برای ترکیه، اینکه سنی‌ها در صحنه بمانند و شیعیان دچار اختلاف شوند، نتیجه‌ای نیست که بتواند به آن معترض باشد. آنکارا می‌داند که سنی‌های عراق در چنین سناریویی نسبتاً ضعیف خواهند بود و به‌راحتی می‌توان آنها را کنترل کرد. با این حال ترک‌ها همچنین واقف‌اند که دولتی در بغداد که از گروه‌های قدرتمند طرفدار ایران تشکیل شده باشد، سنی‌ها را مجبور خواهد کرد که بیشتر یا تهران هماهنگ شوند. ترکیه همچنین می‌داند که هرگونه سیاست سنی‌محور شکست خواهد خورد. همچنین واضح است که آنکارا با عبور از مرزهای فرقه‌ای، بیشتر در دل مردم عراق جای خواهد یافت و اعتماد نخبگان سیاسی عراق را به دست خواهد آورد. این اقدامات همچنین می‌تواند به ترکیه در راستای غلبه بر روابط پرتنش با برخی گروه‌های شیعه کمک کند؛ این امر به‌ویژه در رابطه با نگرانی‌های امنیتی اولویت پیدا می‌کند. در مجموع، اگر آنکارا به سیاست سنی‌محور خود ادامه دهد، در روابطش با گروه‌ها و دولت‌های عراقی در فضای سیاسی‌ای که تحت سلطه شیعیان است، با مشکلاتی مواجه خواهد شد.